

## ۱. چکیده

یارانه‌ها به خصوص یارانه‌های پنهان هرچند سال یک‌بار در اقتصاد ایران به مسئله روز و پرسشی مهم تبدیل می‌شوند. در هر دوره اقتضائات اجرایی و حواشی غیر کارشناسی در مسیر اصلاح و بهبود، ذهن‌های تصمیم‌سازان را از سؤالات اصلی متفرق ساخته و درنهایت نسخه اصلاحی، توفیقی در بهبود شرایط توزیعی جامعه و اصلاح کارآیی اقتصادی نمی‌یابد و مجدداً در دوره‌ای دیگر، همین چرخه معیوب ادامه می‌یابد (آخرین نمونه این فرایند در آبان ماه ۱۳۹۸ انجام گرفت که اثرات مخربی بر جامعه و اقتصاد ایران گذاشت). باید توجه داشت که بنیه دانشی کشور از یک کاستی تئوریک در زمینه اقتصاد یارانه‌ها و جهت‌دهی عادلانه به یارانه‌ها رنج می‌برد، این امر هم برآمده از عمق اندک دانش اقتصاد و تحلیل‌های نظری و بین‌رشته‌ای در ایران و هم ناظر به فقر دانش اقتصاد در بسط نظریات مرتبط با

حوزه یارانه‌ها و مسائل پیرامون آن است که حرکت در جاده هدفمندی را بسیار دشوار ساخته است.

هدف این گزارش پاسخ به تمام سؤالات و ایجاد اجماع نظری یا عملی در مورد موضوع یارانه نیست؛ بلکه با توجه به اینکه این گزارش در پی یافتن چارچوبی عادلانه برای اعطای یارانه است سعی خواهد نمود تا با نگاه علمی، ابعاد و اضلاع نسبت یارانه و عدالت اجتماعی را مورد واکاوی قرار دهد و نقاط افتراق و چالش برانگیز در سیاست گذاری را از منظر عدالت نمایان سازد.

گزارش حاضر به چالش‌های مفهومی در تعریف و فلسفه یارانه در نظام اقتصادی پرداخته است و نشان داده است که چه در مقام تعریف یارانه‌ها و چه در مقام اجرا و اصابت یارانه اجماع و اتفاقی بین اقتصاددانان وجود ندارد. همچنین تحلیل یارانه‌ها در اقتصاد ایران از مسیر اصلی خود خارج شده و نتوانسته است نقش جهت دهی، برای اصلاح کیفیت اقتصاد ایران داشته باشد. گزارش‌های منتشر شده توسط سازمان برنامه و بودجه نشان از حجم بالای یارانه پنهان در اقتصاد ایران می‌دهد و بر این اساس نیز سیاست‌گذاران مختلف به ارائه راهکارهایی برای توزیع و تخصیص بهینه این حجم از منابع اقدام می‌کنند و نحوه کنونی توزیع یارانه‌ها در اقتصاد ایران را نه منطبق بر نگاه عدالت خواهانه و نه کمک کننده به توسعه و پیشرفت کشور می‌دانند. به عنوان مثال نامه ۴۰ اقتصاددان که با برشمردن دلایل مختلف در مورد عدم کارآیی و ناعادلانه بودن وضعیت کنونی یارانه‌ها در اقتصاد ایران، پیشنهاد آزادسازی قیمتی و توزیع درآمد حاصل از طریق سازوکار درآمد پایه همگانی را پیشنهاد می‌دهد.

اما آنچه بیش از همه در بررسی انتقادی گزارش‌ها و تحلیل‌های سیاستی برای اصلاح نظام یارانه‌ها در اقتصاد ایران مشخص است مسیر اشتباه در تشخیص حجم و اندازه یارانه‌ها در اقتصاد ایران (بسنده نمودن به روش شکاف قیمتی برای اندازه‌گیری حجم یارانه در اقتصاد) و عدم توجه به قواعد توزیع عادلانه در تحلیل یارانه‌های پنهان در اقتصاد ایران است. از این منظر، این پژوهش با تفکیک بین معانی و تعاریف مختلف یارانه در علم اقتصاد به این سمت خواهد رفت که نشان دهد ابتدا مسیر سنجش و اندازه‌گیری یارانه (به خصوص یارانه پنهان) در اقتصاد ایران فاقد نگاهی عمیق و تخصصی است و این خلاء موجب دستور کار گذاری بعضا ناصواب و اشتباه برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان اقتصاد کشور شده است، همچنین این گزارش در ادامه با برشمردن قواعد توزیع عادلانه یارانه‌ها نشان خواهد داد که توزیع عادلانه یارانه‌ها نیازمند اجرای زنجیره‌ای از اقدامات است. این مسیر و زنجیره از سنجش حجم و اندازه یارانه تا طراحی و چینش قواعد و سازوکارهای توزیع و تخصیص، ادامه می‌یابد و بدون ترسیم مسیری صحیح و انتخابی دقیق بین گزینه‌های موجود در زمین بازی یارانه‌ها، نمی‌توان ادعای اصابت واقعی و عادلانه یارانه‌ها را داشت یا برنامه‌های اصلاحی برای آن طراحی نمود.